

صبح ایران

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
صبح ایران



شیرینی حرکت در طریق حسینی

■ برنامه اربعینی شبکه یک سیما با حضور چهره‌ها از تأثیر امام حسین^(ع) در زندگی شان روایت می‌کند

حق حساب عجیب برای مافیای اکران

■ با این‌که ۶۰ درصد از فروش فیلم هاسبم سینما داران و پخش کنندگان می‌شود، آنها به دنبال گرفتن انعام از تهیه‌کنندگان هستند

۱۰/۰

خیز تولید کیفی با ۹۰ فیلمنامه جدید

■ دفتر فیلمنامه رسانه ملی طی دو سالی که از فعالیتش در این عرصه گذشته اولویت خود را بر سند تحول صدا و سیما گذاشته است

۸/۰

به اضافه یک؛ آزمون جسورانه رسانه ملی

■ محمدجعفر خسروی، مجری رادیو و تلویزیون برنامه اخیر خود را یکی از بهترین تجربیات حرفه‌ای‌اش در طول ۴۱ سال فعالیتش می‌داند

۷/۰

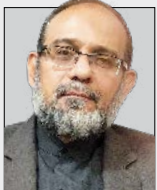


جنگ نامتقارن فرهنگی

■ برنامه غرب برای مقابله با قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را با حجت‌الاسلام سید مهدی علی‌زاده موسوی بررسی کرده‌ایم

۱۱/۰

پیوست فرهنگی موکب‌های اربعینی



سید عبدالحجیم ساداتی‌فر سرگنبد ایران در کربلا

لزوم داشتن پیوست فرهنگی موکب‌های اربعینی در ارائه خدمات به زائران یکی از موارد مهم برای این آیین بزرگ است. موکب‌های ایرانی نه تنها برای زائران ایرانی بلکه برای تمامی زائران کشورهای مختلف باید برنامه‌ریزی فرهنگی داشته باشند و محتوای مناسب تولید و ارائه کنند.

این پیوست فرهنگی تمامی مسائل مهمانی در کشور همسایه تا میزبانی از زائران حسینی را شامل می‌شود. میزبانان اصلی این آیین باشکوه مردم، شایر و دولت عراق هستند که انصافا با تمام وجود و کرمیانه، هرچه دارند را تقدیم زائران می‌کنند. براساس تصمیم ستاد مرکزی اربعین حسینی، امسال برخی از موکب‌های ایرانی خیلی زودتر از موکب‌های برادران عراقی یعنی از اول صفر، شروع به ارائه خدمات کردند که این اقدام آنها ستودنی است. بر همین اساس هموطنان عزیزی که برای زیارت مشرف می‌شوند و نیز خادمان موکب‌های ایرانی باید به این مسأله توجه ویژه داشته باشند که مهمان یک کشور دیگر هستند لذا باید به قوانین، آداب و رسوم و فرهنگ میزبان احترام گذاشته و از خطوط قرمز آنها عبور نکنند. از همین رو ایجاد موکب مشترک ایرانی-عراقی باید در دستور کار ستاد توسعه و بازسازی عتبات قرار گیرد تا اینگونه تعاملات کاری و اشتراکات فرهنگی بتواند از بروز ناهنجاری‌ها و حاشیه‌های آزاردهنده جلوگیری کند. یکی از خطاها در ارائه خدمت به زائران اربعینی رفتن به سوی تجمّل‌گرایی در ارائه خدمات موکب‌هاست از همین رو از خادمان و مسئولان موکب‌های ایرانی انتظار داریم ضمن حفظ کرامت زائران، پذیرایی را متناسب با سطح موکب‌های برادران عراقی تنظیم کنند تا خدای ناکرده ایجاد حس رقابت منفی نکند. فراموش نکنیم اصل حفظ کرامت زائران، وظیفه خادمان مواکب است و مراقب باشیم که سنگینی کار، گرمای شدید و خستگی منجر به ترشروی هنگام میزبانی از زائران نشود.

انصافا مردم و دولت عراق با تمام وجود از هر آنچه که دارند برای زائران سید الشهدا^(ع) دریغ نکرده و ارائه خدمت می‌کنند. به ویژه عتبه‌های حسینی، عباسی و استادار کربلا که بستر حضور و مشارکت موکب‌های ایرانی در میزبانی از زائران اربعین را فراهم کردند که باید از آنها تشکر و قدردانی کنیم.



سید محمدستفای سرگنبد سارو کارشناس سینما

از فردای پیروزی انقلاب اسلامی، دسته‌ای از مطبوعات وابسته، بر طبل مخالفت با انقلاب و نظام کوبیدند. جریانی از روشنفکری که در بزنگاه‌های تاریخی این سرزمین و در اوج نهضت امام خمینی^(ره)، محافظه‌کارانه عمل کرد و اصرار داشت که در مقابل سیل انقلاب، ریاکارانه تغییر جهت داد و به‌عنوان نیرویی رادیکال، دست به بحران‌سازی و تلاش برای تجزیه کشور تحت عنوان خودمختاری، القای بحران رهبری و نفی و تردید افکنی درباره هویت خیزش ملی مردم زد. رادیکالیسمی که به خروج مسالحنه انجمنید و آن جماعت روشنفکرانه حتی در وحشیانه‌ترین عملیات تروریستی یا سیاه‌ترین کودتاها و ضدملی‌ترین تجاوزات نظامی باز هم در مقابل انقلاب و نظام ایستادند و به‌عنوان روسپاه‌ترین جریان‌ات تاریخ معاصر ایران، نام خود را به ثبت رساندند؛ جریانی که در سال‌های بعد نیز با عناوینی جدید اعم از گذار به دموکراسی یا اصطلاح طلب یا مردم‌سالاری، باز هم همان پرده‌ای را ساز کرد که اسلافش در طول نیم قرن دیکتاتوری پهلوی و پس از آن موج ضدانقلابی و امپریالیستی نواخت.

شگفتا که همان شعر و شعارهایی که آن مطبوعات و نشریات ضدانقلابی میراث دوران طاغوت و لژهای ماسونی و کانون‌های صهیونی در دوران انقلاب و سال‌های اولیه پس از پیروزی سر می‌دادند و در بوق می‌کردند تا نظام جمهوری اسلامی را تحت فشار روانی از داخل قرار دهند، بله همان شعارها را دو دهه بعد، گروهی که نام اصلاح طلب بر خود نهاده بودند، با انتشار یکسری روزنامه‌های زنجیره‌ای تکرار کردند. شعارهایی از قبیل حقوق اقلیت‌های قومی و آزادی زنان و حقوق بشر و دموکراسی و... و این استحاله‌یافتگان به اصطلاح اصلاح طلب نیز همان نقاط قوت و محوره‌های اصلی انقلاب را نشانه رفتند که اسلافشان در سال‌های اولیه برپایی نظام جمهوری اسلامی مورد تهاجم رسانه‌ای خویش قرار داده بودند؛ همان محورهایی که اساس ضدیت امپراتوری جهانی صهیونیسم با نهضت امام خمینی^(ره) از همان ابتدای شکل‌گیری‌اش بود.

اولین محور، اسلامیت نظام بود؛ همان محوری که حضرت امام

خمینی^(ره) فرمودند که اگر آن باشد، اگر اسلام آن طور که هست

شناسانده شده و پیاده شود، همه شعارهای انسانی دیگر اعم از عدالت

و آزادی و استقلال را هم خواهیم داشت، اما دشمنان انقلاب و اسلام

از همان روزهای نخست تلاش کردند اسلام را برای تشکیل حکومت و

اداره مملکت و پیشرفت زندگی مردم، ناکارآمد جلوه داده و دستورات و

احکام آن را به قرن‌های گذشته نسبت دهند. در حالی که اساس قیام و

نهضت حضرت امام خمینی^(ره) اسلام بود و بس نه مثلاً نان، مسکن و

آزادی (که شعارهای اولیه ضدانقلاب بود) و نه دموکراسی و حقوق بشر

و مانند آن (که شعارهای آن روز لیبرال‌ها بود و سخن امروز به اصطلاح

اصلاح طلبان!).

محور دوم تهاجم کانون‌های صهیونیستی که در نشریات وابسته‌شان در

روزهای پس از پیروزی انقلاب انعکاس می‌یافت و پس از گذشت حدود

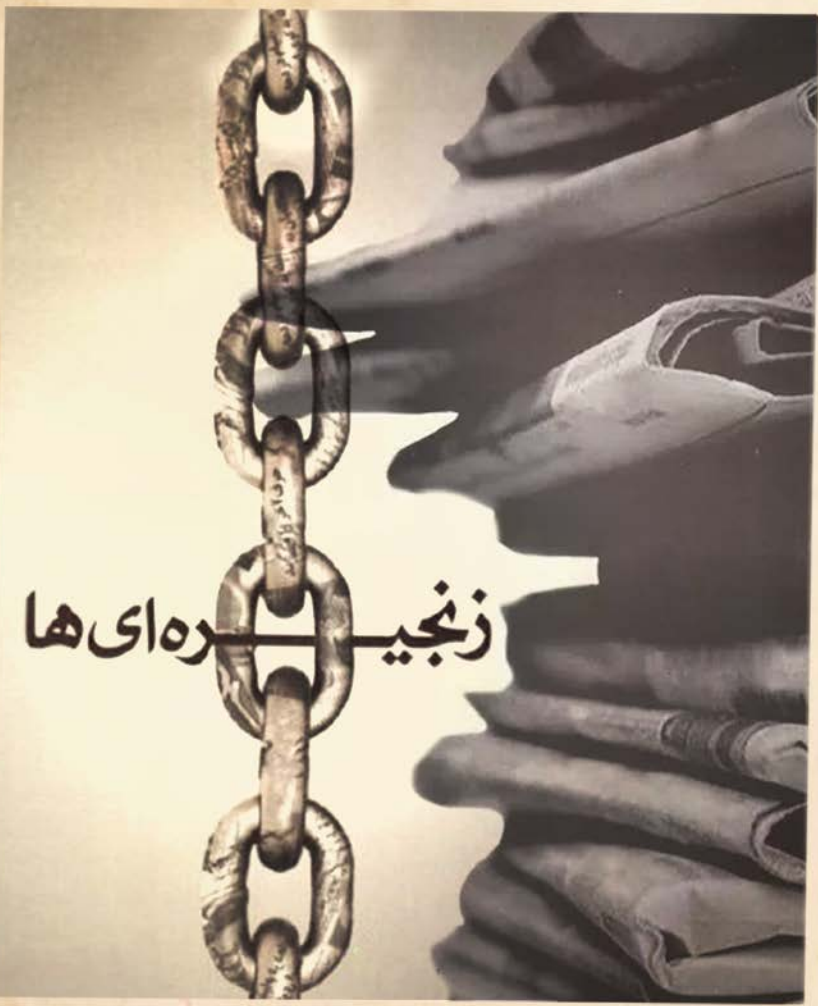
۲۰ سال در روزنامه‌ها و مطبوعات موسوم به روشنفکران به اصطلاح دینی

و اصطلاح طلب رویت شد، ولایت فقیه بود، ولایت فقهی که امام وصیت کرد

پشتیبان آن باشید تا مملکت آسیب نبیند.

روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

ضد ولایت فقیه



زنجیرده‌ای‌ها

بخش
چهل و یکم

«...اما واقعیت این است که روحانیت، نقش تعیین‌کننده در مبارزه ملت ایران نداشت. شما به فیلم‌های راهپیمایی روزهای تاسوعا و عاشورا نگاه کنید. چند نفر روحانی خواهید دید؟ خیلی کم...» محسن حیدریان از اعضای سازمان فدائیان اکثریت که بعدها عضو به اصطلاح حزب دموکراتیک مردم ایران شد، در افشای گزارش پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب توده که به صورت جزوه انتشار یافت، در آبان ماه ۱۳۶۸ می‌نویسد:

«...در کنفرانس ملی تحت تأثیر فضای چپ موجود و فشارهای گوناگون، چپ‌روی کردیم و شعارهای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران را مطرح کردیم، ما دیگر از سرنگونی نمی‌توانیم حرف بزنیم... سیاست ما باید تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری ولایت فقیه باشد. یعنی تلاش برای جلب نیروهایی که جمهوری اسلامی را می‌خواهند، ولی ولایت فقیه را نمی‌خواهند، باشد...»

بخشی از اعضای سابق حزب توده که در سال ۱۳۶۸ با شعار صلح و آزادی به عنوان محور اصلی اتحاد تمام نیروهای مخالف جمهوری اسلامی در قالب گروه‌های لیبرالی آمریکایی در خارج کشور متحد شدند و حزب به اصطلاح دموکراتیک مردم ایران را به وجود آوردند، ضمن دعوت از تمام گروه‌ها و جریان‌ات ضدانقلاب برای تشکیل یک جبهه متحد برای حذف ولایت فقیه و شورای نگهبان، خواستار تمرکز و تلاش همه گروه‌ها حول محور تئوری استحاله شدند:

«...وظیفه ماست که با نظرات انحرافی بدون فوت وقت برخورد کنیم.

اساسا باید در نظر داشت که قانون اساسی ما خوب است، به استثنای

بخش ولایت فقیه... ما از طریق جبهه صلح و آزادی باید در راه حذف

شورای نگهبان نیز تلاش کنیم...»

پنج سال بعد در آبان ۱۳۷۲، مجید تهرانیان از شبه‌روشنفکران عضو

گنفراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا که در دهه ۱۳۳۰ نامیده اداره

فرهنگ و اطلاعات آمریکا در دبیرستان‌های ایران بود و بعداً در دانشگاه

هاوایی تدریس می‌کرد در گفت‌وگویی با رادیو صدای آمریکا، عبدالکریم

سروش را پیشاهنگ تحولات عمده در ایران دانست و گفت: «...یک

تحول بسیار مهمی که به عقیده من دارد صورت می‌گیرد، در زمینه‌های

تفکر در ایران، یکی از کسانی که شاید پیشاهنگ این تحولات باشد، آقای

عبدالکریم سروش است که... از منتقدان علی‌شرعی و طرز تفکر امتزاج

دین و سیاست است... من فکر می‌کنم که اگر این طرز تفکر او گسترش

یابد، رفته‌رفته مسأله ولایت فقیه مورد دستورالعمل‌های جدیدتری قرار

خواهد گرفت و نتایج سیاسی مهمی در پی خواهد داشت...»

لیبرالیسم مذهبی امثال دکتر سروش، امید تغییرات رادرمیان اپوزیسیون

خارج نشین از نیروهای چپ گرفته تا راست، زنده کرد، به طوری که

جریان‌ات الحاد ی و گروهک‌های مارکسیستی نیز از به اصطلاح تحولات

فکری در میان بخشی از نیروهای اسلامی به مثابه پدیده‌ای مثبت که

حرکت فرهنگ‌سازان مخالف نظام جمهوری اسلامی را تسریع می‌کند،

یاد کردند. بهروز خلیق، عضو مرکزیت سازمان فدائیان خلق (اکثریت)

در مطلبی که در نشریه کاراگان گروهک فدائیان اکثریت در سال ۱۳۷۱

به چاپ می‌رساند، نوشت: «...این تغییرات برای آن دسته از نیروهای

اپوزیسیون که مشی مبارزه برای دموکراسی را تعقیب می‌کنند، دارای

اهمیت است. چرا که در راستای تضعیف و حذف

ولایت فقیه ۲ - جدایی دین از سیاست ۳ - تأمین

آزادی‌های سیاسی است...»

استاده‌اند، مثل همیشه این چندسده اخیر هجوم، نسبت به روحانیت

و علما و فقها بود.

همان ناطق، یکی از شبه‌روشنفکران وابسته به جامعه سوسیالیست‌ها

و کانون نویسندگان که به لحاظ تفکر، تحت تأثیر فریدون آدمیت بود و

خیلی سریع در مقابل انقلاب ملت ایران، موضع گرفت در مصاحبه‌ای با

هفته‌نامه تهران‌مصور که در شماره ۳۰ این نشریه به تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۵۸

به چاپ رسید، ضمن نادیده گرفتن نقش رهبری حضرت امام در انقلاب

اسلامی و نقش روحانیت در این انقلاب می‌گوید:



برای خواندن گزارش‌های قبل، کلیک کنید